مطالب

[اشاره 1](#_Toc434998526)

[جمع‌بندی 1](#_Toc434998527)

[عدم اجرای اصل استصحاب 1](#_Toc434998528)

[اجرای اصل برائت در غایت 2](#_Toc434998529)

[مفهوم ابتدا 2](#_Toc434998530)

[اختصاص مفهوم به جمل انشائیه 2](#_Toc434998531)

[مفهوم چهارم: مفهوم حصر 3](#_Toc434998532)

[تعریف مفهوم حصر 3](#_Toc434998533)

[مقدمه 3](#_Toc434998534)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# اشاره

سومین مفهومی که موردبحث واقع شد، مفهوم غایت بود که اقوال و وجوه آن در سه مقام بحث شد.

## جمع‌بندی

در ادامه بحث قبلی اگر کسی قائل شد که ما مقام اول و سوم را در نظر بگیریم جمله مغیا به غایت نه دلالت بر دخول غایت در مغیا می‌کند و نه دخالت در مفهوم دارد؛ اگر این‌چنین باشد، جمله‌ای که قرینه‌ای در کنارش نباشد درمانند «أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى‏ غَسَقِ اللَّيْل»[[1]](#footnote-1)‏، غسق اللیل پایان کار است و دلالت دلیل تا لیل است و یا در مثل «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرافِق»[[2]](#footnote-2)‏ حکم تا مرفق است و تا مرز غایت را داخل در حکم می‌داند و اما خود غایت و خارج از مرز را خارج از دلیل می‌داند و در شمول خارج از مرفق، باید دنبال ادله دیگر رفت و مفهومی نیز نخواهد داشت.

## عدم اجرای اصل استصحاب

اگر مولا دستور بدهد که از قم به تهران برو، عبد باید تا تهران را برود، اما اگر تا کرج نیز مطرح باشد نیاز به دلیل دیگری دارد و موضع بحث جای بحث استصحاب نیست چراکه عرفاً موضوع عوض‌شده است.

لذا در خود غایت و ماورای غایت چون مفهومی نیست، هیچ‌کدام نمی‌تواند داخل در حکم باشد و استصحاب نیز نمی‌توان کرد.

بنابراین در جمع‌بندی سه مقام نه غایت داخل در مغیا است و نه مفهوم دارد لذا در شمول حکم نسبت به غایت و ماورای غایت نیاز به دلیل جدید داریم.

## اجرای اصل برائت در غایت

گاهی اطلاق مقامی هست و ما می‌فهمیم که مولا منظورش چیست وگرنه در حالت عادی عبد می‌تواند بر مولا احتجاج کند که نسبت به شمول خود غایت، دلالتی از کلام وجود ندارد. در دخول غایت در مغیا هم این‌چنین است که با رسیدن به مرز تکلیف را ادا کرده است و نسبت به خود مرز و ماورای آن اصل عملی که در اینجا اجرا می‌گردد اصل برائت است.

## مفهوم ابتدا

همان‌طور که غایت از حیث مفهوم قابل‌بحث است که آیا غایت داخل در مغیا است یا نه و اینکه آیا مفهوم دارد یا نه همین دو مطلب در مورد ابتدا هم وجود دارد؛ یعنی اینکه در مثل «أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى‏ غَسَقِ اللَّيْل»[[3]](#footnote-3)‏ آیا در خود دلوک شمس و قبل از آن وجوبی نسبت به اقامه نماز هست یا نه؟ گفته می‌شود که خود ابتدا داخل نیست و ماقبل ابتدا نیز نمی‌تواند داخل باشد چراکه مفهومی ندارد. لذا در کنار بحث مفهوم غایت باید به بحث مفهوم ابتدا هم پرداخته شود، چراکه ملاک‌هایی که در بحث غایت است در بحث ابتدا هم وجود دارد.

## اختصاص مفهوم به جمل انشائیه

در بحث مفهوم شرط مفصل بحث شد که آیا مفهوم شرط اختصاص به جمل انشائیه دارد یا نه در جملات خبریه هم جاری است. در بحث جمل شرطیه گفته‌شده که آیا مفهوم اختصاص به جملات خبری و توصیفی دارد یا در جمل انشائیه هم مفهوم دارد و اکثراً هم می‌گفتند که مفهوم شرط در جمل انشائیه وجود دارد، منتها ما در همان‌جا هم گفتیم که جمله‌های خبری‌ای که یک نوع شارع در آن دخالتی دارد و در لسان شارع با یک عنایت شرعی واردشده است آن جملات خبری هم مفهوم دارند.

از همین جهت می‌توان گفت که مفهوم شرط اختصاص به فقه ندارد و معارف غیر فقهی هم دارای مفهوم است. در این معارف هرچند حکم الهی نیست، اما خداوند متعال از سنتی از سنت‌های خود خبر می‌دهد.

همان سنخ مطلب که در مفهوم شرط گفته شد، در بحث غایت هم می‌گوییم که اگر جمله صرفاً خبری محض باشد نمی‌تواند مفهوم داشته باشد، اما اگر نوعی به شارع ربط داشته باشد و با عنایت خاصی شارع از آن خبر دهد، می‌توان گفت طبق نظر کسانی که قائل به مفهوم غایت هستند این جمله خبری دارای مفهوم غایت است. در مثال «سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْر»[[4]](#footnote-4) این کلام هرچند خبر است اما ممکن است که شارع با یک عنایت خاصی از آن خبر می‌دهد یا مثال «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّون»[[5]](#footnote-5)‏ که شارع از جنبه مولوی خود این خبر را افاده می‌کند که می‌توان گفت اینجا مفهوم دارد و مفهوم داشتن آن بعید نیست.

# مفهوم چهارم: مفهوم حصر

## تعریف مفهوم حصر

مفهوم حصر، از مفاهیمی است که از دیرباز از آن بحث شده است، مفهوم حصر مفهومی است که از جملاتی به دست می‌آید که افاده حصر می‌کند و ادوات حصر مانند الا و انما و ... در آن به کار گرفته می‌شود.

## مقدمه

**مقدمه اول:** این مفهوم که در اینجا به‌عنوان حصر به‌کاررفته است دامنه گسترده‌ای دارد، چراکه ادوات حصر خیلی است و در ادبیات و جواهرالبلاغه و ... خیلی از آن بحث شده است و بحث مهمی است چراکه دربازی‌های زبانی و چینش‌های زبانی جایگاه عظیمی دارد.

**مقدمه دوم**: مفهوم حصر در جملات خبریه هم جاری است و این‌گونه نیست که اختصاص به جمل انشائیه داشته باشد و به همین خاطر است که دو بحث توحیدی و اعتقادی در این مفهوم، بحث شده است. یکی در کلمه لا اله الا الله است و یکی در آیه شریفه «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُون»[[6]](#footnote-6) که فخر رازی سعی کرده است این انما را از حصر بیندازد تا امامت حضرت اثبات نگردد.

1. . سوره اسراء / آیه 78 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره مائده / آیه 6 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره اسراء / آیه 78 [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره قدر / آیه 5 [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره آل‌عمران / آیه 92 [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره مائده / آیه 55 [↑](#footnote-ref-6)